

## حسایت فقها نسبت به مسأله اقتصاد و راهکارهای تأمین امنیت آن

□ محمدحسن فصیحی \*

### چکیده

با مراجعه به آموزه‌های دین مقدس اسلام و بررسی امنیت اقتصادی به عنوان یکی از ابعاد مهم امنیت، روشن می‌شود که اسلام و به تبع آن فقهای کرام بصورت کلی در باب امنیت و به صورت خاص در باب امنیت اقتصادی به عنوان حاکمان اصلی در نظام سیاسی اسلام روی امنیت اقتصادی زیاد تکیه کرده است. زیرا یکی از مهم‌ترین نیازهای انسانی نیاز اقتصادی است. انسان برای ادامه حیات خود ناگزیر به کار و کوشش و تهیه‌ای نیازمندی‌های مادی خود می‌باشد. اقتصاد نه تنها در زندگی خصوصی و حیات اجتماعی افراد نقش دارد بلکه به عنوان متغیری برای در نظر گرفتن محتوای حکومتها نیز مطرح می‌باشد. در کل امنیت اقتصادی در اسلام از اهمیت خاصی برخوردار بوده و از حقوق اولیه انسان محسوب می‌شود. فقها معتقد اند، امنیت اقتصادی عبارت است از ایجاد نظم بین عوامل اساسی و تهیه مایحتاج معیشتی انسان یعنی منابع اولیه، تولید، توزیع کار و درآمد اعضای جامعه به گونه‌ای که نیاز ضروری آنها تأمین شود و افراد جامعه از فقدان و یا حتی احتمال فقدان این ضروریات احساس خطر نکرده و آرامش و آسایش‌شان سلب نشود.

**کلیدواژه‌ها:** امنیت اقتصادی، سیاست، جنبش تنباکو، اقتصاد، تمدن.

## مقدمه

بدو شک انسان برای بقا و ادامه حیات خود در ابعاد مختلف زندگی نیاز به امنیت دارد مانند امنیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و غیره. اما در این مقاله تلاش شده است که نیم نگاهی به حساسیت فقها نسبت امنیت اقتصادی و تأمین راهکارهای آن صورت گیرد. شهید مطهری می‌فرماید: «انسان برای بقا و حیات خود احتیاج دارد به چیزهایی از قبیل غذا، لباس و مسکن که وسایل معاش نامیده می‌شود. انسان به غیر این امور نیز احتیاج دارد از قبیل احتیاجات خانوادگی «زن و فرزند» احتیاجات فرهنگی، معنوی، دینی، احتیاجات سیاسی «حکومت» و آنچه مربوط به شئون حکومت است و احتیاجات اجتماعی از قبیل قضاوت و امثال آن اما در میان احتیاجات انسان مهم‌ترین احتیاجات وی احتیاجات اقتصادی است یعنی اموری که انسان در حیات و بقاء شخص خود به آنها نیازمند است و بدون آنها قادر به ادامه حیات نیست.» (مرتضی، مطهری، نظری به نظام اقتصادی اسلام، ص ۲۸-۲۹) البته باید دانست که اسلام آمیزه است از قوانین و رهنمودهای مادی و معنوی یعنی: (اعتقادی، عبادی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و...) که در آن هیچ یک از این مقولات جدایی از دیگری شکل پذیر نیست و اگر به تنهایی تصور یا پیاده شود اسلام راستین نخواهد بود، بنابراین «اسلام اعتقادی بدون اقتصاد و اسلام اقتصادی بدون اخلاق و اسلام عبادی بدون سیاست و اسلام سیاسی بدون ایمان و اعتقاد مساوی است، با هر یک از مقولات منهای اسلام راستین و چنان است که موجودی را به عنوان انسان معرفی کنیم بدون دست، پا، بدن، سر و... و یا ماشینی داشته باشیم فاقد فرمان، موتور و... متوقع باشیم این ماشین به درستی کار کند.» (حسین مظاهری، مقایسه بین سیستمهای اقتصادی، انتشارات موسسه در راه حق بی تا) پس اسلام نمی‌تواند بدون اقتصاد و نظام اقتصادی باشد و برعکس تا آنجا به مسأله اقتصاد اهمیّت داده شده است از نظر اسلام که هدفهای اسلامی بدون اقتصاد سالم غیر قابل تأمین است و فقر انسان را به کفر می‌کشاند چنانچه در حدیث آمده است: «كاد الفقر ان يكون كفرا.» (العلامة آية الله الشيخ علی النمازی، مستدرک سفینة البحار، جزء ۲، ص ۱، ر.ک. نرم افزار الشامله) بيم

آن است که فقر به کفر انجامد.» در حدیث دیگر آمده است: «من لا معاش له لا معاد له» همینطور «من كان في دنياه عاجزاً فهو عن آخرته أعجز.» (أحاديث في الدين والثقافة والاجتماع، جزء ۱، ص ۲۱۷، ر.ک نرم افزار الشامله) پس امنیت اقتصادی و انتظام معیشت افراد- چه در حوزه فردی و چه اجتماعی مدح و توصیه شده است. همچنانکه حضرت آیت الله خامنه‌ای در زمینه اهمیت امر معیشت فرموده اند: «مسأله معیشت قطعاً در اولویت اول است، معیشت که نبود، دین هم نیست، اخلاق هم نیست، حفظ عصمت و عفت هم نیست.» (علی خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۹/۳/۲۹، نرم افزار حدیث ولایت.) به هرصورت در قسمت اول این مقاله، بحث مفاهیم و موارد قلمرو امنیت اقتصادی گذشت حال در قسمت دوم به مباحث همانند: حساسیت فقها نسبت به امنیت اقتصادی و سازکارهای تأمین امنیت اقتصادی از منظر فقه و فقها می‌پردازیم امیدوارم که مفید فایده واقع گردد.

### مبحث اول: حساسیت فقها نسبت به امنیت اقتصادی

در سیاست اقتصادی، فقها همیشه طرح‌هایی را به اجرا گذاشته‌اند که به استقلال کشور کمک کرده است، چرا که علما به دلیل تقیدی که به معانی قرآن (آیه نفی سبیل) داشتند، نمی‌توانستند شاهد فروپاشی اقتصاد ملی و وابستگی مسلمین به بیگانگان باشند. آنان نه تنها در جهت مقابله با تهدید اقتصاد ملی، قدم‌های عملی ویژه‌ای نظیر تحریم خرید کالاهای بیگانه و تحریم مردم به استفاده از امتعه وطنی و ملی برداشتند؛ بلکه کوشیدند تا از طریق نوشتن و مسائلی در این زمینه ضرورت‌های دینی مسأله را نیز با زبانی عامه فهم توضیح دهند. (غلام حسین زرگری نژاد، رسائل مشروطیت، ص ۷۶)

برای اثبات این مطلب از باب نمونه، عملکرد فقیه بزرگ قاجاری یعنی میرزای شیرازی استشهد می‌آوریم. «در اواخر عهد ناصری و اوایل حکومت مظفری، انحطاط اقتصاد تجاری ابعاد وسیعی پیدا کرده بود، ولی در این زمان، عده‌ای بر آن شدند تا با ایجاد کمپانی یا شرکت، حجم سرمایه‌گذاری را افزایش داده و امکان مقابله با تهاجم سرمایه‌گذاری بیگانه

را فراهم کنند، حاصل این تدبیر، تکوین و تأسیس چندین شرکت بود که در فاصله سال‌های ۱۲۹۸-۱۳۰۰ در شهرهای مهم کشور نظیر: تهران، یزد، اصفهان و شیراز پدید آمدند. مهم‌ترین شرکتها عبارت بودند از: شرکت امنیه، شرکت اتحادیه، شرکت منصوریه، شرکت مسعودیه و شرکت اسلامیه. درست در زمان آخرین تلاش شرکت اسلامیه بود که برخی از فقهای آگاه وقت با احساس وظیفه و رسالت نسبت به دفاع از اقتصاد ملی، وارد میدان شدند و به خرید امتعه داخلی و تحریرص و تشویق تولیدات ملی و تحریم خریدهای خارجی پرداختند که رساله معروف و مشهور لباس التقوی حاصل این تلاش است. (تاریخ معاصر ایران، کتاب هفتم، ص ۳۲۶)

### الف: امنیت اقتصادی در اندیشه فقیه بزرگ میرزای شیرازی

ایران عصر قاجار دارای مشکلات عدیده‌ای بود که از این میان، مشکل استبداد و انحطاط اقتصادی از همه شاخص‌تر بود. حکام ایران هم برای خوش‌گذرانی‌های خود، کشور را روز به روز دچار ناامنی اقتصادی بیشتری می‌کردند. در چنین فضایی، فقیه بزرگ، فتوای تاریخ ساز خود را اعلام می‌کند. فتوایی که از حراج ایران جلوگیری نموده و نخستین جنبش گسترده مردمی علیه سلطه خارجی را شکل می‌دهد؛ همانطور که صاحب کتاب «مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران» هم به این مسأله اشاره می‌کند و معتقد است که: «ماجرای تنباکو، نخستین جنبش گسترده توده‌ای مستمر است که سلطه خارجی را مستقیماً نشانه می‌گیرد.» (جان فوران، مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، ص ۲۵۰)

### جنبش تنباکو تبلور دفاع از امنیت اقتصادی

باید دقت کرد که جنبش تنباکو، جنبشی بود که تأثیرات به‌سزایی در تحولات بعدی ایران داشته است. شهید مدرّس در این باره می‌گوید: «این واقعه تاریخی، نظام سلطنت را سست و از اقتدار انداخت... استبداد سلطنتی در ایران بدون توجه به واقعه دخانیه، به مشروطیت نمی‌رسید... واقعه دخانیه تویی بود که سحرگاه، مردم تیز هوش خفته را بیدار کرد و به طور

طبیعی از زلزله شدیدی که متعاقب آن بایستی به وقوع بپیوندد، با خبرشان نمود.» (موسی نجفی و رسول جعفریان، سده تحریم تنباکو، صص ۱۳۴-۱۳۹)

اما جریان تنباکو چه بود و سرانجام آن به کجا انجامید؟ شرح ما وقع را می‌توان اینگونه تشریح کرد: انگلیس برای نزدیک شدن به ایران، از میان برداشتن رقیبان خود و نیز کشاندن ایران به حوزه انحصاری منافع سیاسی و اقتصادی خود، بیش از پیش کوشید تا اینکه قضیه قرارداد تنباکو به صورت زیر اتفاق افتاد.

۱- گیرنده امتیاز انحصاری تنباکو، فردی بود به نام سرگرد جی. اف. تالبوت.

۲- شیوه اجرای امتیاز: شرکت متعهد گردید تا سالانه ۱۵۰۰۰ پوند، استرلینگ به همراه یک چهلیم سود خالص را به شاه پردازد و در عوض به تالبوت اجازه داده شد تا همه توتون و تنباکوی تولید شده در ایران را برای صدور یا فروش در بازار داخلی، خریداری کند به این ترتیب، فروشندگان داخلی استقلال خود را از دست داده و برای فروش توتون و تنباکو از شرکت اجازه می‌گرفتند.

۳- مدت امتیاز پنجاه سال بود؛ اما تالبوت امتیاز خود را به شرکت تازه تأسیس دخانیات امپراتوری در ایران «یا شرکت رژی» فروخت.

۴- چگونگی انتشار خبر این امتیاز در میان مردم: در سال ۱۲۶۹ ه.ش/ ۱۸۹۰ م، روزنامه فارسی زبان اختر در استانبول، طی مقاله‌ای دولت را به خاطر آنکه اجازه صادرات تنباکو را هم در قرارداد گنجانده است، مورد انتقاد قرارداد و به این ترتیب مردم ایران از این خبر آگاه شدند.

۵- فرجام امتیاز یا قرارداد رژی: در واقعه تنباکو، آقایان سید علی اکبر روحانی و سید جمال الدین اسدآبادی، تأثیری تعیین کننده بر میرزای شیرازی داشته اند؛ اما به دلیل پرهیز از تطویل، در این قسمت فقط به عملکرد میرزا می‌پردازیم. میرزای شیرازی طی نامه‌ای به شاه (ناصرالدین شاه) به مضار و مفساد اجازه مداخله خارجی‌ها در ایران و نیز اعطای امتیازات اشاره نموده و همه آنها را منافی استقلال ایران می‌خواند. نهضت تنباکو در واقع اعتراضی بود نسبت به تمامی امتیازاتی که تا آن هنگام به کمپانی‌ها و شرکتهای خارجی داده شده بود و دفاعی بود از تمامیت استقلال و امنیت اقتصادی و سیاسی ایران. بنابراین در ۱۱ آذر به دنبال فتوای میرزای شیرازی رهبر مذهبی شیعیان در سامره، توتون و تنباکو در سراسر ایران تحریم شد. متن فتوا بدین شرح بود.

## متن فتوای تاریخ ساز جنبش تنباکو

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» الیوم استعمال تنباکو و توتون بایّ نحو کان در حکم محاربه با امام زمان صلوه الله علیه است.» (جان فوران، همان، ص ۲۵۱)

و بدین صورت بار دیگر توطئه‌ای که علیه امنیت کشور به خصوص امنیت اقتصادی تدارک شده بود، توسط فقیهی بزرگ خنثی گشت و مردم ایران توانستند استقلال، امنیت اقتصادی و تمامیت ارضی خود را حفظ نمایند. (رضاعیسی نیا، فقها و مسأله امنیت ملی، ر.ک. مجله علوم سیاسی، شماره نهم، صص ۲۰۴-۲۰۶)

### ب) امنیت اقتصادی در اندیشه آیت الله خامنه‌ای

یکی از فقهای بزرگ و آینده نگر معاصر حضرت آیت الله خامنه‌ای است، ایشان امنیت اقتصادی را در سایه پرهیز از اسراف و تعادل در مصرف معرفی نموده و آن را نوعی جهاد می‌داند: «مسئله‌ی مدیریت مصرف، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر. هم دستگاه‌های دولتی، هم دستگاه‌های غیر دولتی، هم آحاد مردم و خانواده‌ها باید به این مسئله توجه کنند؛ که این واقعاً جهاد است. امروز پرهیز از اسراف و ملاحظه‌ی تعادل در مصرف، بلاشک در مقابل دشمن یک حرکت جهادی است؛ انسان می‌تواند ادعا کند که این اجر جهاد فی سبیل الله را دارد.» (علی، خامنه‌ای، بیانات، ۱۳/۵)

۱۳۹۱، ر.ک. سایت: <http://farsi.khamenei.ir>

همچنین ایشان مصرف تولید داخلی و پرهیز از مصرف کالاهای خارجی را جز تعادل در مصرف دانسته و آن را وظیفه همگان دانسته می‌فرمایند: (یک بُعد دیگر این مسئله‌ی تعادل در مصرف و مدیریت مصرف این است که ما از تولید داخلی استفاده کنیم؛ این را همه‌ی دستگاه‌های دولتی توجه داشته باشند - دستگاه‌های حاکمیتی، مربوط به قوای سه‌گانه - سعی کنند هیچ تولید غیر ایرانی را مصرف نکنند؛ همت را بر این بگذارند. آحاد مردم هم مصرف تولید داخلی را بر مصرف کالاهایی با مارکهای معروف خارجی - که بعضی فقط برای نام و نشان، برای پز دادن، برای خودنمایی کردن، در زمینه‌های مختلف دنبال مارکهای خارجی

میروند - ترجیح بدهند. خود مردم راه مصرف کالاهای خارجی را ببندند. (ر.ک. همان)

### ج) امنیت اقتصادی در اندیشه آیت الله ناصر مکارم شیرازی

یکی از فقه‌های بزرگ و زمان شناس معاصر حضرت آیت الله مکارم شیرازی است که در حوزه علوم انسانی در ابعاد مختلف آن از جمله مسائل اقتصاد و امنیت اقتصادی حرف و نظر داشته و دست به قلم برده است، آنچه که از گفته‌های ایشان به دست می‌آید این است که، حیات و مرگ تمدن‌ها به نوعی مرتبط با اقتصاد آن است.

#### نقش اقتصاد در حیات و مرگ تمدن‌ها

روی همین جهت است که حضرت آیت الله مکارم شیرازی می‌فرماید: «اهمیت مسائل اقتصادی تنها از این نظر نیست که تأمین آزادی و استقلال و حیات مادی امت‌ها بدون آن امکان ندارد بلکه از این نظر نیز هست که پیوند نزدیکی با مسائل زیربنایی جامعه حتی با مسائل اخلاقی دارد، نه فقط آنها که با دید یک بعدی‌شان، اقتصاد را همه چیز و همه چیز را اقتصاد می‌بینند در اشتباه هستند، [بلکه] آنها که نقش حساس مسائل اقتصادی را در سرنوشت ملت‌ها در حیات و مرگشان و در پیروزی و شکست‌شان نادیده می‌گیرند، نیز سخت در اشتباه هستند. (ناصر مکارم شیرازی، خطوط اصلی اقتصاد اسلامی، ص ۲۴)

#### نقش اقتصاد سالم در پیکر اجتماع

ایشان روی امنیت و سالم بودن اقتصاد زیاد تکیه کرده و می‌فرماید: «جریان یک اقتصاد سالم در پیکر اجتماع همچون جریان خون سالم در کالبد یک انسان است. این ساده‌ترین و در عین حال گویاترین تفسیری است که می‌توان برای بیان نقش اقتصاد در جوامع انسانی ذکر کرد، ممکن است در حال عادی توجه به نقش گردش خون در حیات یک انسان نداشته باشیم، اما هنگامی که مجرای یکی از شاهرگ‌ها به خاطر اختلال سیستم ضد انعقاد، یا لخته‌ای خون بسته می‌شود بلافاصله عکس العمل شدید آن ظاهر می‌گردد، عضوی که مجرای خوش بسته شده فوراً فلج می‌شود و اگر این عضو از اعضای فعالی همانند «قلب» یا «دستگاه تنفس» باشد

مرگ ناگهانی را حتماً با خود همراه خواهد داشت حتی فقر «اقتصادی» عوارضی در پیکر اجتماع درست همانند «کم خونی» و «فقر الدم» همراه دارد. در بیماری فقر الدم چشم درست نمی بیند، گوش قدرت شنوایی را از دست می دهد، زبان به لکنت می افتد، دست و پاها می لرزد و مغز هم قدرت اندیشیدن را ندارد، یک اجتماع که با فقر اقتصادی با یک سیستم ناسالم دست به گریبان است هرگونه توانایی و مهارت را از دست می دهد و گرفتار نارساییهای مرگباری در همه زمینه ها می شود.

یک سیاستمدار انقلابی

یک فرمانده شجاع

یک فیلسوف بزرگ

یک دانشمند ماهر

یک شاعر نکته پرداز

یک هنرمند چیره دست

و یک تکنسین ورزیده

هرگز قادر به انجام رسالت خود در جامعه نیست مگر اینکه حداقل یک زندگی اقتصادی مناسب «نمی گوئیم مرفه» را داشته باشد و حتی قبل از تولد نیز انسان تحت تاثیر این عامل نیرومند قرار دارد، چه آنکه امروز ثابت شده بسیاری از بیماریهای جسمانی یا عقب ماندگی های فکری که دامن یک انسان را می گیرد ممکن است بر اثر کمبود یا سوء تغذیه پدر و مادر و نظام اجتماعی باشد که آثار نامطلوبش روی نطفه و جنین مشاهده می شود. (ناصر مکارم شیرازی، همان ص ۲۶)

### نقش اقتصاد و امنیت آن در شکل اخلاقی جامعه

حتی مسائل اخلاقی نیز به مقدار قابل ملاحظه ای تحت تأثیر عوامل اقتصادی قرار دارند، ممکن است این سخن برای بعضی از علمای اخلاق گران آید که اینگونه مسائل معنوی چه ارتباطی می تواند با مسائل اقتصادی داشته باشد؟ ولی با توجه به این نکته تجربی و حسی که



نگهداری مبانی اخلاقی همچون شهامت، صراحت، مناعت طبع، راستگویی، امانت و استقلال شخصیت برای یک انسان گرسنه کار بسیار دشواری است، جای هیچگونه شگفتی باقی نمی‌ماند. نمی‌گوییم یک انسان گرسنه حتماً گرفتار دروغ، تزویر و تقلب می‌شود و الزاماً ایمان خود را از دست می‌دهد، اما می‌گوییم زمینه ابتلای به این انحرافات اخلاقی در انسانهای گرسنه بسیار آماده‌تر است و این یک امر حسی و تجربی است. همچنین جای شک نیست که نیازهای مادی و فقر اقتصادی، انسان را به کارهای زشتی همچون چاپلوسی، تملق، ثنا خوانی افرادی که شایسته سرزنش‌اند تشویق می‌کند.

و نیز یک ملت گرسنه را خیلی آسانتر می‌توان به دام استعمار افکند و راحت می‌توان زنجیرهای اسارت و بردگی را بر دست و پایش نهاد و همه اموال و ذخایر و افتخاراتش را بر باد داد، چرا که گاهی بر اثر گرسنگی حتی توانایی فریاد کشیدن را ندارد. بنابراین بحث از اهمیت مسائل اقتصادی برای «ماده‌گرایان» بحثی زاید است. چرا که آنها اقتصاد را همه چیز و همه چیز را در آن می‌بینند و برای آنها که به انسان از دو جنبه جسم و روان «ماده» و «معنی» می‌نگرند نیز اهمیت مسأله روشن است به دلیل آنکه حداقل یک بعد وجود انسان که بعد مادی باشد با آن پیوند نزدیک دارد، پیوندی که به خاطر ارتباط جسم و جان روی بعد دوم «بعد معنوی» نیز اثر می‌گذارد. بنابراین نادیده گرفتن مسائل اقتصادی مساوی است با نادیده گرفتن نیمی از وجود انسان که از نیم دیگر جدا نیست. (ناصر مکارم شیرازی، همان ص ۲۷-۲۸)

### اقتصاد نخستین و مهم‌ترین نیاز انسان

بنابراین، می‌توان گفت که «یکی از مهم‌ترین نیازهای انسانی نیاز اقتصادی است. انسان برای ادامه حیات خود ناگزیر است که به کار و کوشش پردازد و نیازمندیهای مادی خود را برطرف سازد. لذا اقتصاد همواره یکی از مهم‌ترین مسائل حیاتی فردی و اجتماعی انسانها در تمامی اعصار و قرون گذشته بوده و خواهد بود. اقتصاد نه تنها در زندگی خصوصی و حیات اجتماعی افراد نقش دارد بلکه به عنوان متغیری برای در نظر گرفتن محتوای حکومتها نیز مطرح می‌باشد.» (منصور طبیعی، سیمای امنیت در نهج البلاغه، ص ۹۶)

به گونه‌ای که ما وقتی کارنامه حکومتها را در نظر بگیریم می‌بینیم، از سال ۱۹۴۵ ایده امنیت اقتصادی جایگاه والایی در دستور کار نظامهای سیاسی یافته است و همه آنها تلاش نمودند که برای مردم خود امنیت اقتصادی ایجاد کنند. پس از جنگ سرد [یعنی دوره‌ای] که «از ۱۹۴۵ آغاز تا فروپاشی اتحاد شوروی ادامه پیدا می‌کند» این بعد از امنیت اهمّیت روز افزونی یافت و دانش پژوهان و سیاست‌گذاران ضمن تأیید ارتباط امنیت اقتصادی با ایمنی جامعه به دنبال راههای جدیدی به منظور وارد کردن موضوعهای اقتصادی، در راهبردهای سنتی دفاعی بودند، همچنان که بسیاری از کشورهای جهان سوم از شعار تأمین اقتصادی برای اصلاح موقعیت نامساعد خود بهره گرفته و می‌گیرند، از سویی در عرصه بین‌المللی استفاده از امکانات و بنیان اقتصادی به عنوان یک اهرم، هم باعث ایجاد آسیب‌پذیری بیشتر دولتها و هم رشد افزون‌تر اهمّیت موضوع امنیت اقتصادی گشته است، زیرا با جهانی شدن اقتصاد و افزایش همبستگی اقتصادی واحدها، دولتها بیش از هر زمانی برای تأمین نیازمندیهای خود به یکدیگر وابسته هستند.

نظامهای سیاسی در حال حاضر ضمن پیگیری راهبردهای خودکفایی اقتصاد ملی، ضرورت امنیت اقتصادی مبتنی بر راهبردهای وابستگی متقابل جهانی را نیز به شدت دنبال می‌کنند. (بهرام اخوان کاظمی، امنیت در نظام سیاسی اسلام، ص ۳۶)

به طور کلی می‌توان گفت امنیت اقتصادی در سطوح مختلف فردی، ملی و جهانی مطرح است. در سطح فردی، افراد جامعه تلاش می‌کنند تا با کار و کوشش وضعیت معیشتی خود را بهبود بخشیده و از امکانات بیشتر و بهتری در زندگی خصوصی خود بهره‌مند شوند.

در سطح ملی وظیفه دولت برقراری یک نظام اقتصادی سالم و فراهم کردن امکانات مادی و فرصت استفاده از آنها به نحو عادلانه برای اقشار مختلف جامعه می‌باشد.

در سطح جهانی نیز اقتصاد همواره به عنوان عاملی جهت برقراری رابطه دولتها با یکدیگر مطرح بوده است. در این رابطه اصولاً کشورهای ثروتمند و برخوردار از اقتصاد پیشرفته بر دولتهای ضعیف مسلط می‌شوند. لذا، اقتصاد می‌تواند، عامل عزّت و اقتدار و یا برعکس عامل زوال و انحطاط یک جامعه باشد. (منصور طبعی، سیمای امنیت در نهج البلاغه، ص ۹۶)

بدین ترتیب اقتصاد به صورت پدیده‌ای کاملاً سیاسی متجلی می‌گردد که نظام حکومتی کشورها به شدت از آن تأثیر می‌پذیرد، در این روند هر یک از دولتها با توجه به ابعاد سه‌گانه مذکور و با در نظر گرفتن امکانات جامعه به تدوین نظام اقتصادی کشور تحت سلطه خود می‌پردازند، و مهم‌ترین وظیفه نظام اقتصادی تهیه ضوابط و قواعد مناسب جهت راهبری و امنیت اقتصادی جامعه می‌باشد. اسلام هم به عنوان کامل و جامع‌ترین دین آسمانی و الهی که جهان شمول و ابدی است- و انسانها را به قلّه‌های بلند کمال انسانیت رسانیده از شهد شیرین عبودیت سیرابشان می‌کند- دین اداره جامعه و دارای نظام خاص اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، قضایی و فرهنگی است که برای سعادت فرد و جامعه در تمام زندگی قوانین خاص خودش را دارد و در نظام اقتصادی اسلام جنبه فردی و اجتماعی و بعد مادی و معنوی انسان با هم ملاحظه شده است. مانند مکاتب اقتصادی معروف همانند «مکتب سرمایه‌داری و مکتب سوسیالیسم نیست» که فرد را فدای جامعه و یا جامعه را قربانی فرد بکند.

از اینکه انسان در دیدگاه اسلام دارای ابعاد گوناگونی است، طبعاً قانون‌گذار اسلامی باید قانونی را پیشنهاد و وضع کند که دربرگیرنده همه ابعاد وجودی انسان باشد هر فرد در عین حال که عضوی از اعضای جامعه خویش است دارای شخصیت مستقل فردی نیز هست و اضافه بر این انسان فقط در جسم و غرایز جسمانی و نیازهای مادی خود خلاصه نمی‌شود غفلت از بعد روحی و معنوی انسان نادیده گرفتن یک حقیقت آشکار و یک واقعیت محسوس است، پس بی‌توجهی به هر یک از این ابعاد و به ویژه غفلت از بعد معنوی انسان به نتایج اسفباری که در نظام سرمایه‌داری و سوسیالیسم دیده می‌شود می‌انجامد. ظلم، ستم، حق‌کشی، نابرابری، سودجویی، قدرت‌طلبی، هرزگی و فساد که در جوامع شرق و غرب دیده می‌شود مولود طبیعی پشت پا زدن به معنویت و اخلاق است. انسان بدون معنویت و اخلاق با حیوان چه تفاوتی دارد؟ جز آنکه برای انجام هر ناروایی از حیوان کارآمدتر و زیرکتر و خطرناکتر است، قرآن کریم در این مورد سخن زیبا و دقیق دارد که می‌فرماید:

«إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ» (انفال/ ۲۲) ضرورتی از هر

جنبه نزد خداوند افرادی هستند که فاقد گوش شنوای حق و زبان گویای حق باشند و از

معنویت غفلت ورزیده و سرپوش غرایز، خرد انسانی آنان را پوشانده باشد و تفکر و تعقل نکند». روی همین جهت قوانین اسلام بر همه ابعاد وجودی انسان نظر دارد و در نظام اقتصادی اسلام نیز جنبه فردی و اجتماعی و بعد مادی و معنوی انسان با هم ملاحظه شده است. نظام اقتصادی اسلام، نه سرمایه‌داری است و نه سوسیالیسم و نه حد واسط و یا تلفیقی از این دو آنان که نظام اقتصادی اسلام را حد وسط دو نظام سرمایه‌داری غربی و سوسیالیسم شرقی پنداشتند یا آن را مرکب از این دو تصور کرده‌اند. در اشتباهند و اشتباه بزرگتر را کسانی مرتکب شده‌اند که نظام اقتصادی اسلام را همان نظام سرمایه‌داری توصیف کردند. و خطای بزرگتر از این دو اشتباه آنکه برخی با وجود آنکه مسلمانند رنگ سوسیالیستی به خود گرفته خیال می‌کنند نظام اقتصادی اسلام همان نظام سوسیالیستی است. [در واقع آنها اسلام واقعی را درک نکرده و نمی‌دانند که] اسلام و نظام اقتصادی آن ویژگیهای ممتاز و مخصوص به خود را دارد. (حسین مظاهری، مقایسه بین سیستمهای اقتصادی، ص ۱۶-۱۷)

### **مبحث دوم: سازوکارهای تأمین امنیت اقتصادی**

حال که با توجه به مباحث قسمت اول این مقاله در شماره قبل و دامه آن در این شماره، اجمالاً با نظام اقتصادی اسلام و قلمرو آن آشنا شدیم و امتیازات آن را نسبت به نظام سرمایه‌داری و سوسیالیسم دانستیم، این نکته را هم باید بدانیم که مقررات و قوانین که بر پایه قواعد فقهی خاص در بخش اقتصاد یا قواعد فقهی عام که بر بخش اقتصاد و غیر اقتصاد قابل انطباق و دارای زمینه اجرایی می‌باشد، موجب برقرار شدن نظم عادلانه و امنیت مطلوب در تمام شئون اقتصادی می‌شود و تبیین این قواعد فقهی از وظایف خاص فقیهان است که با استناد به آیات و روایات آن را بدست آورده و آنگاه به تطبیق آن بر مصادیق خارجی پرداخته، و احکام فرعی مربوطه به آن را استنباط کنند.

در واقع این قواعد فقهی راه کارهایی است که فقها برای ایجاد امنیت اقتصادی و توازن اجتماعی ارائه داده‌اند. ما در اینجا برای هر چه بیشتر روشن شدن نقش این قواعد در تأمین امنیت اقتصادی، به شرح تعدادی از قواعد عام و خاص که در باب اقتصاد کاربرد دارد و موجب

ایجاد امنیت مطلوب در تمام شئون اقتصادی می‌شود می‌پردازیم. البته روشن است که قواعد فقهی، ضوابط و اصول کلی پذیرفته شده در علم فقه است که در حل مسائل بدان استناد می‌شود و گفته شد که استفاده از این قواعد فقط در صلاحیت فقها و متخصصان امور دینی است. ما در اینجا در پی مبانی فقهی و اثبات این قواعد نیستیم چون در جای خودش این قواعد ثابت شده است. بلکه ما در صدد شرح، ذکر قلمرو و موارد کاربرد و کارایی برخی از این قواعد در بخش اقتصاد و نقش این قواعد در تأمین امنیت اقتصادی هستیم. از میان قواعد فقهی ما به موارد از قواعد فقهی عام و موارد از قواعد فقهی خاص اشاره می‌کنیم:

### بحث اول: قواعد فقهی عام

۱- قاعده نفی ضرر

۲- قاعده نفی سبیل

۳- قاعده نفی حرج

توضیح:

#### الف) قاعده نفی ضرر

«لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» (محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، باب اول از ابواب ارث حدیث ۱۰) بخشی از روایتی است که فقها در اثبات قاعده نفی ضرر بدان استناد کرده‌اند، این قاعده می‌گوید: که احکام ضرری در اسلام وجود ندارد.

#### ۱- مفهوم ضرر

دو معنا برای واژه «ضرر» شده است، ۱- نقص در مال و جان و حیثیت ۲- ضیق و تنگنا و سوء حال که ناشی از نقص در مال، جان، حیثیت و یا سلب حقی از حقوق انسان باشد. بنابراین هرگاه به طور مستقیم یا غیر مستقیم نقص بر جان، مال، حیثیت و یا بر حقی از حقوق انسان وارد آید و سبب دشواری و سوء حال او شود به آن ضرر و زیان اطلاق می‌گردد. (دفتر همکاری

حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، ص ۳۴۰)

## ۲- اقسام ضرر

به طور کلی ضرر به سه دسته تقسیم می‌شود.

۱/۲- ضررهای حقیقی: مانند اینکه انسان مال و یا عضوی از اعضای بدن خود را از دست بدهد.

۲/۲- ضررهای اعتباری: مانند ضرری که از ناحیه سلب حقی از حقوق بر انسان وارد آید.

۳/۲- ضررهای نسبی: مثلاً به تاجری که سود نبرده است گفته می‌شود ضرر کرده است،

در صورتی که این ضرر نسبت به عدم تأمین غرض (سود) می‌باشد.

بدون شگ قاعده نفی ضرر شامل زیانهای حقیقی می‌گردد. در مورد زیانهای اعتباری مانند حق شفعه نیز چنانچه مورد تأیید شریعت باشد شامل است و سلب چنین حقی زیان بار و براساس قاعده نفی ضرر ممنوع است اما ضررهای نسبی مانند کاهش سود مشمول این قاعده نیست. توضیح حق شفعه: اگر یکی از دو یا چند شریک بخواهد سهم شرکت خود را به غیر از شریک یا شریکان خود بفروشد، شریک یا شرکاء برای خرید سهم او به همان قسمت اولویت دارند و این اولویت را حق شفعه می‌گویند.

## ۳- قلمرو قاعده نفی ضرر

قاعده نفی ضرر دامنه گسترده دارد و انواع ضررها و اضرار به غیر را دربرمی‌گیرد. بنابراین ضررهایی را که قبل از این مصداق نداشته ولی اکنون با پیشرفت تکنولوژی و ... مصادیق جدید یافته است، در صورت اثبات حق شرعی برای افراد، یا جامعه، نیز شامل می‌شود، مانند حق بیمه، حقوق سهام داران، اتلاف منابع طبیعی، آلوده سازی محیط زیست، و... ولی چنانچه حقوق جدید دارای اعتبار شرعی نباشد هرچند از نظر اجتماعی پایگاه مورد قبول داشته باشد، مشمول این قاعده نمی‌گردد. (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، ص ۳۴۰)

آیا قاعده نفی ضرر شامل زیان رساندن به خود نیز هست یا نه؟

به نظر می‌رسد که قاعده تنها در صدد بیان نفی وارد ساختن ضرر و زیان به دیگران است و اصل دیگری تحت عنوان «حرمت اضرار به نفس» ضرر رساندن به خود را نفی می‌کند.

(مرتضی انصاری، رساله فی نفی ضرر، ص ۲۱)

#### ۴- نقش قاعده در تأمین امنیت اقتصادی

«قاعده نفی ضرر یکی از قواعد بنیادی و کارآمد در تدوین قوانین به ویژه قوانین اقتصادی به شمار می‌آید و در فقه اسلامی درستی یا نادرستی احکام و مقررات مورد استنباط به وسیله آن محک زده می‌شود. از این رو هر حکم و قانونی که باعث ضرر و زیان به افراد جامعه باشد با توجه به قاعده نفی ضرر لغو می‌گردد و احکام سازگار با آن مورد تأیید قرار می‌گیرد. بنابراین قاعده نفی ضرر می‌تواند زمینه‌های لازم را برای تحقق عدالت اجتماعی فراهم آورد و سایر قوانین را با روح عدالت اجتماعی سازگار سازد» (محمد مهدی کرمی و محمد پورمند، نبی زاده، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، ص ۳۱) که در اصول از این خصیصه قاعده لاضرر به نام حکومت یاد می‌شود بدین معنا که این قاعده ناظر بر سایر قواعد و احکام شریعت است و آنها را محدود و یا مقید می‌سازد، مثلاً هرگاه نوع استفاده از خانه شخصی باعث ضرر و زیان به همسایه شود، آنجا قاعده تسلیطه با قاعده لاضرر تعارض می‌کند، ویژگی حکومت و تقدم قاعده نفی ضرر، بر سایر قواعد و احکام، قلمرو قاعده سلطه را محدود به جایی می‌سازد که برای دیگران زیان نداشته باشد. در نتیجه صاحب خانه حق ندارد استفاده از حقوق ثابت خود را وسیله وارد آوردن زیان به دیگران قرار دهد. که در حقوق، حکومت قانون بر قانون دیگر می‌گویند: «حکومت قانون بر قانون دیگر به معنای تصرف یک قانون در دلالت قانون دیگر است، بطوریکه بر اثر این تصرف دلالت آن را توسعه بخشد یا محدود نماید.» (محمد جعفر، جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ص ۲۴۸)

#### ۵- قاعده نفی ضرر تبلور ایجاد امنیت اقتصادی

پس می‌توان گفت که قاعده نفی ضرر زیباترین تبلور ایجاد امنیت اقتصادی و بزرگترین عامل برای به حرکت درآوردن چرخهای اقتصادی جامعه و در نتیجه بهترین راه برای رشد و توسعه پایدار است. چون سیستم اقتصادی بدون ضرر در اسلام، با ایجاد امنیت در جامعه موجب شکوفایی اقتصاد و رشد و توسعه می‌گردد و با وجود امنیت همه عوامل تولید با تمام ظرفیت به فعالیت معقول اقتصادی به کار گرفته می‌شود، برعکس از مهم‌ترین موانع رشد و توسعه

نبودن امنیت اقتصادی است که می‌تواند جامعه را از حرکت مطلوب و معقول باز دارد و در بعد سیاسی و اجتماعی آثار نامطلوبی را به جا بگذارد.

در واقع می‌توان گفت که قاعده نفی ضرر محوری است برای برنامه‌ریزی‌های اقتصادی یک نظام سیاسی سالم، زیرا نظام سیاسی موظف است تمام خطوط کلی سیاستهای اقتصادی خود را به نحوی تنظیم کند که سبب ضرر و زیان فرد و جامعه نباشد و بر این اساس فعالیتهای اقتصادی سرمایه‌داری در قالب تشکلهای انحصاری «کارتل و تراست» به منظور ایجاد نرخ‌های ساختگی و زیان‌بار در نظام اقتصادی اسلام ضرری محسوب شده و ممنوع می‌گردد.

#### ۶- قاعده نفی ضرر تأمین‌کننده امنیت حقوق اموال و تجارت

کلیه قوانین و مقررات مدنی درباره کسب و کار، تولید، توزیع و بهره‌برداری و ... در اسلام با توجه به قاعده نفی ضرر تدوین شده و هر قانون که موجب ضرر و زیان فرد یا جامعه باشد فاقد اعتبار شرعی است و قابلیت اجرایی ندارد. مثلاً هر نوع «تصرف زاید بر متعارف در اموال» اگر باعث زیان همسایه گردد موجب مسئولیت مدنی متصرف است، خواه آن تصرف که بیش از متعارف است مورد حاجت متصرف باشد یا نباشد و اساساً تصرف بیرون از متعارف یک تعدی عرفی است» (محمد جعفر، جعفری لنگرودی، حقوق اموال، ج ۱ ص ۳۲۴) براساس قاعده نفی ضرر هرگونه تصرف در اموال مشروطه به رعایت حد متعارف و عدم زیان دیگران است.

همینطور در حقوق تجارت از آنجا که صحت تجارت در اسلام به رضایت دو طرف مبادله بستگی دارد، - «یا ایها الذین آمنوا لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل إلا أن تكون تجارة عن تراضٍ منکم ولا تقتلوا أنفسکم إن الله کان بکم رحیمًا» (نساء/ ۲۹) ای اهل ایمان مال یکدیگر را به ناحق نخورید مگر آنکه تجارتی از روی رضا و رغبت کنید «و سودی بیرید» - و مسلماً ضرر و زیان هر یک از طرفین نارضایتی است فقها با استفاده از قاعده نفی ضرر برای رفع اینگونه زیانها برای طرف زیان دیده حق فسخ در نظر گرفته است تا اگر بخواهد بتواند به طور یک جانبه قرارداد تجاری را ابطال کند. (محمد مهدی کرمی و محمد پورمند، بنی زاده همان، ص ۳۲-۳۳)



## ب) قاعده نفی سبیل

یکی دیگر از قواعد فقهی عام که در ابواب مختلف فقه کاربرد دارد قاعده نفی سبیل است. مفهوم فقهی قاعده به استناد آیات و روایات آن است، که در شریعت حکمی که سبب سلطه کافران بر مؤمنان شود وجود ندارد این مفهوم در قرآن با صراحت بیان شده است «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء/ ۱۴۱) خداوند هرگز برای کافران بر مؤمنان راه سلطه و برتری قرار نداده است» در روایات هم آمده است که پیامبر (ﷺ) فرمود: «الاسلام يعلو ولا يعلو عليه» (محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۹ ص ۴۷) اسلام تنها آیین برتر است و هیچ آیینی بر آن برتری نخواهد یافت.

از این رو فقهای اسلام اتفاق نظر دارند که هیچ حکمی از احکام شریعت مایه تقوُّق و برتری کافران بر مؤمنان نیست، لذا دیدگاه خود را در تمام زمینه‌های فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حتی عبادی با رعایت همین قاعده اعلان می‌دارند.

## نقش قاعده در باب تأمین امنیت اقتصادی

### ۱- عزت اجتماعی و اقتدار اقتصادی

از نشانه‌های بارز اصالت و واقع‌گرایی نظام اجتماعی دارا بودن اصول و قواعد است که برای همیشه حافظ عزت و سربلندی انسانها باشد و از اقتدار اقتصادی آنان حمایت کند، قاعده نفی سبیل یا اصل عدم سلطه کافران بر مؤمنان در نظام اجتماعی اسلام موجب می‌گردد تا دولتهای اسلامی همواره نگهبان عزت اجتماعی و استقلال اقتصادی امت اسلامی باشند، لذا اصل منع هر نوع پیمان اقتصادی که موجب سلطه و استعمار کافران بر مسلمانان باشد برگرفته از قاعده نفی سبیل است و این یک اصل خدشه‌ناپذیر در همه جای نظام اقتصادی و مالی اسلام از دیدگاه قانون‌گذار است. چنانچه در قانون اساسی، ج. ۱.ا. اصل ۱۵۳، آمده است: «هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی، اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد ممنوع است.» بدین سبب فقیهان پیوسته در تدوین احکام و مقررات اسلامی به اصل عدم سلطه توجه خاص داشتند.

## ۲- تدوین حقوق اقتصادی

در فقه الاقتصاد هم هر حق یا رفتار اقتصادی که به نحوی سبب تفوق کافران بر فرد مسلمان یا جامعه اسلامی می‌شود ممنوع است، از این جمله است، قانون عدم ثبوت حق شفعه برای کافر نسبت به شریک مسلمان (روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۵۵۷) و نیز مجاز نبودن سرپرستی و تولیت کافران بر موقوفاتی که به مسلمانان اختصاص دارد. برخی از فقیهان برجسته در تحلیل علت عدم جواز تولیت کافران بر موقوفات مسلمین می‌گویند: «صحت و قبول تولیت کافر به معنای قبول سلطه و فرمانروایی وی بر مسلمانان است زیرا متولی باید مقررات نحوه استفاده و بهره‌برداری از عایدات موقوفه را تدوین و بر حسن اجرای آن نظارت داشته باشد.» (میرعبدالفتاح مراغی، العناوین، ج ۱ ص ۲۷۲ محمد کاظم حکیم، القواعد الفقیهه، ج ۱ ص ۱۷۳)

در نتیجه اینکه فقها برای تأمین امنیت اقتصادی جامعه اسلامی، در همه جای نظام اقتصادی و مالی اسلام از قاعده نفی سیل بهره می‌گیرند. (محمد مهدی کرمی و محمد پورمند بنی زاده، همان، ص ۳۴-۳۵)

### (ج) قاعده نفی عسر و حرج

از جمله قواعد فقهی عام قاعده نفی عسر و حرج است که در ابواب مختلف فقه کاربرد دارد، براساس این قاعده هیچ حکمی از احکام اسلام چه در مرحله قانون‌گذاری و چه در مرحله اجرا مشقت بار و حرجی نیست و اساساً حکمی که در عمل برای انسان سخت و مشقت بار و عادتاً غیر قابل تحمل باشد در شریعت یافت نمی‌شود، چون انسان در مواجهه با فرامین خداوند ممکن است با یکی از چهار حالت زیر روبرو شود. ۱- سهل و آسان ۲- دارای اندکی زحمت ۳- دارای مشقت فراوان ۴- خارج از توان آدمی.

به طور کلی احکام شریعت از نوع اول و دوم تشکیل یافته است و از آنجا که توانایی و قدرت افراد متفاوت است لذا فقها در فقه با طرح مسأله «شرط قدرت» نسبت به انجام تکالیف، هر جا که فرد قادر به انجام دادن تکلیف الهی نباشد او را از مورد خطاب شارع خارج

داشته حکم شرعی را نسبت به او منجز نمی‌داند. بر این اساس -

اولاً در شریعت حکمی که برای عامه مردم سخت و مشقت بار باشد تدوین نگردیده. ثانیاً هر حکمی که در مرحله اجرا مشقتی که عادتاً غیر قابل تحمل است منجز نیست و فعلیت نخواهد داشت، آیات و روایات بسیاری هم بر این معنا دلالت می‌کند. از جمله آیات: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (بقره/ ۱۸۵) خداوند راحتی شما را می‌خواهد نه سختی و مشقت شما را.

«وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ». (حج/ ۷۸) خداوند هیچ کس را مگر به قدر توانایی او تکلیف نمی‌کند.

«لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (بقره/ ۲۸۶) خداوند هیچ کس را جز به میزان توانائیش تکلیف نمی‌کند.

یا پیامبر اسلام (ﷺ) فرمود: «خداوند مرا به شریعت سهل و آسان و آیین گذشت و مدارا مبعوث کرده است. (محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی ج ۱ باب حجج الله علی خلقه حدیث ۵ ص ۲۹۴) «ولکن بعثنی بالحنیفة السہلۃ السمحۃ» امام صادق (ع): «به هر چیز بنگری مردم را در تنگنا نخواهی یافت، زیرا تمام احکام الهی در فراخور حال مردم است و آنچه خدا بدان فرمان داده در توان انسانها است و انسانها بدانچه خارج از حوزه آنهاست مأمور نیستند.» (محمد بن یعقوب کلینی، همان، حدیث ۴، ص ۲۱۹)

## نقش قاعده در باب امنیت اقتصادی

### ۱- قرض

هرگاه ادای دین موجب سختی و مشقت فوق‌العاده در زندگی بدهکار شود به استناد این قاعده حکم لزوم پرداخت بدهی در چنین شرایطی از وی ساقط می‌شود و طلبکار موظف است به او مهلت دهد که قرآن کریم به این مسأله تصریح دارد.

وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (بقره/ ۲۸۰)

و اگر کسی که از او طلبکار هستید تنگدست باشد پس تا توانگر گردد به او مهلت دهید و

اگر در هنگام تنگدستی به رسم صدقه آن را ببخشید که عوض آن را در آخرت بیابید برای شما بهتر است اگر به مصلحت خود دانا باشید»

امام خمینی علیه السلام با توجه به آیات قرآن کریم، در این باره چنین می‌فرماید: همانطور که ادای دین بر کسی که در مشقت و تنگنا قرار دارد واجب نیست بر طلبکار نیز حرام است در مطالبه دین خود بر بدهکار سخت بیگردد، بلکه واجب است تا رفع مشکل به او مهلت دهد. (روح الله خمینی تحریر الوسیله، ج ۱ ص ۶۵)

## ۲- مالک و مستاجر

در مورد رابطه مالک و مستاجر نیز کاربرد قاعده معروف است چنانکه در قوانین مربوطه به آن آمده است. در مواردی که دادگاه تخلیه ملک مورد اجاره را به لحاظ کمبود مسکن موجب عسر و هرج مستاجر بداند و معارض با عسر و حرج موجه نباشد می‌تواند مهلتی برای مستاجر قرار دهد. (قانون روابطه مالک و مستاجر مصوب ۱۳۶۲، مجلس شورای اسلامی)

## ۳- تجارت خارجی

این قاعده در تجارت خارجی گاهی موجب تعدیل و انحلال پیمانهای خارجی می‌گردد. چه آنکه «نظریه تغییر اوضاع و احوال یا نظریه حوادث پیش بینی نشده یکی از موارد تطبیق قاعده نسبت به حقوق طرفین پیمانهای بین‌المللی به حساب می‌آید. به موجب این نظریه هرگاه در اثر بروز حوادث پیش بینی نشده و غیر قابل رفع و اجتناب، تعادل عوضین معامله به نحو فاحش بر هم بخورد و در نتیجه اجرای مفاد قرارداد دشوار و مشکل گردد قرارداد مذکور در صورت امکان توسط قاضی تعدیل و حسب مورد انحلال می‌یابد. (محقق داماد، قواعد فقهی، بخش مدنی ۲، ص ۸۸)

از آنجا که قاعده نفی عسر و حرج هرگونه سختی و مشقت غیر متعارف را از صحنه زندگی انسان طرد می‌کند لذا در تأمین «امنیت اقتصادی» و رشد و توسعه نقش عمده دارد. چون با ایجاد امنیت روحی می‌تواند کار و نیروی فکری و جسمی انسان را که بزرگترین عامل رشد و توسعه پایدار در هر جامعه به حساب می‌آید. به سمت حرکت متوازن و معقول هدایت کند و به جریان رشد و توسعه اقتصادی سرعت بخشد.

## بحث دوم: قواعد فقهی خاص

از مجموع قواعد فقهی خاص که منحصرأ در باب اقتصادی کاربرد دارند. و هدفش تأمین امنیت اقتصادی است ما به سه قاعده اتلاف، قاعده حیازت، قاعده تسلیطه اشاره می‌کنیم.

### الف) قاعده اتلاف «من اتلف مال غیره فهو ضامن»

از نظر فقهی تضییع مال یا منفعت متعلق به دیگری را اتلاف گویند. اتلاف کننده علاوه بر گناهکار بودن ضامن مال یا منفعت از بین رفته است و باید به نحوی مقتضی خسارت را جبران نماید، بدین معنا که باید همانند آن را به صاحبش تحویل دهد یا قیمت آن را به وی بپردازد. (مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیه، ج ۲ ص ۱۹۳)

### موارد کاربرد قاعده

۱- قاعده اتلاف شامل از بین بردن مال و منفعت غیر است و گاه ممکن است، در اثر اتلاف، مال غیر و منفعت آن تلف شود، مانند از بین بردن وسیله مسافری که در این صورت عامل آن علاوه بر وجوب استرداد مانند یا قیمت آن، ضامن پرداخت اجره المثل منافع ایام تلف نیز می‌باشد، زیرا با این کار مانع استفاده از منافع آن شده است.

۲- اتلاف همانگونه که شامل عین و منافع مال مادی است شامل اموال معنوی نیز می‌باشد. بنابراین در صورتی که حق تألیف و حق ابتکار و اختراع را حق و مال معنوی اشخاص بدانیم نادیده گرفتن آن باعث تضییع حقوق صاحبان آن می‌شود و اتلاف به حساب می‌آید.

۳- اتلاف به دو گونه، ۱- با مباشرت ۲- یا غیر مباشرت محقق می‌شود، پس اگر کسی چاهی در مسیر عبور گوسفندان دیگری حفر کند و گوسفندی در آن بیفتد و تلف شود براساس قاعده اتلاف حفر کننده چاه ضامن مال تلف شده خواهد بود. البته باید به دو نکته توجه داشت.

۱- مرجع تشخیص حدود و مرز اتلاف همانند تشخیص اسراف و تبذیر، عرف است که با ابتدا بر مقتضیات زمان و مکان و تغییر اوضاع و شرایط متفاوت خواهد بود برای نمونه هرگاه در شرایطی خاص نابود کردن دامهای حامل ویروس تنها راه صحیح و عملی مبارزه با آن ویروس تشخیص داده شود به چنین کاری اتلاف گفته نمی‌شود. همچنان که از بین بردن حیوان

مهاجم را که انسان جز کشتن و نابود کردن آن راهی برای نجات خود نمی‌بیند نیز اتلاف نمی‌گویند، زیرا این نوع کارها در نظر عرف دارای هدف عقلایی است و از حوزه و قلمرو اتلاف بیرون است.

۲- اتلاف در صورتی گناه به شمار می‌آید، که عامل آن آگاهانه و با اختیار مالی غیر را تلف کرده باشد، پس در صورتی که سهوا یا به اشتباه مال دیگری را از بین ببرد گناهکار نیست ولی در هر صورت مسئولیت تضمین مال تلف شده متوجه عامل است. (محمد مهدی کرمی و پورمند بنی زاده، همان، ص ۴۴-۴۵) که این نهایت توجه فقه و فقها را به مسأله امنیت اقتصادی می‌رساند.

### **ب) قاعده حیازت**

قاعده حیازت یکی دیگر از قواعد فقهی خاص است که در اقتصاد به کار می‌رود، این قاعده تنها در اقتصاد ثروتهای طبیعی منقول کاربرد دارد و یکی از محورهای اساس توزیع آن به حساب می‌آید. در فقه اسلامی حیازت عبارت از جمع‌آوری و در اختیار و سیطره قرار دادن ثروتهای منقول طبیعی به منظور استفاده و بهره‌برداری از آن می‌باشد، از این رو حیازت، هر نوع سلطه و در اختیار گرفتن مواهب طبیعی نیست بلکه سلطه است که با قصد و اراده تملک و با هدف اقتصادی معقول صورت پذیرد، لذا چنانچه پای آهو در باتلاق ملک کسی فرو رود یا سیلاب به طور ناخواسته در ملک کسی وارد شود از نظر فقهی هیچ کدام در حیازت و سلطه شرعی صاحب ملک قرار نمی‌گیرد. کار حیازتی علاوه بر ارادی و هدفدار بودن باید در روش و میزان برداشت نیز معقول و متعارف باشد، از این رو کار حیازتی بر روی منابع طبیعی نباید موجب ضرر و زیان سایر افراد جامعه گردد. (محمد مهدی کرمی و پورمند بنی زاده، همان، ص ۴۶)

### **کاربرد قاعده یا قلمرو آن**

از مجموع شرایطی که فقها در فقه برای قاعده حیازت دگر کرده است بدست می‌آید که این قاعده همانند دیگر قواعد فقهی به منظور ایجاد امنیت و تأمین عدالت اجتماعی، تأسیس

گردیده و باید عامل بهره‌وری مفید از مواهب طبیعت باشد، لذا همچون سایر قواعد فقهی قلمرو مشخص و محدود دارد از جمله:

۱- قاعده حیا از جهت روش کار حیا زتی و همچنین از نظر میزان کالای حیا زت شده نباید وسیله‌ای برای وارد آمدن ضرر و زیان به دیگران و در تنگنا قرار دادن سایر افراد جامعه باشد، زیرا از دیدگاه اسلام همه ثروتها برای همه انسانها خلق شده و همگان باید از این مواهب بهره‌مند شوند. (سید محمد حسین طباطبایی، المیزان ج ۴، ص ۱۷۱)

بنابراین کسی حق ندارد با استفاده نامعقول از قاعده حیا زت زمینه استفاده معقول از ثروت‌های طبیعت را از دیگران سلب کند، از این رو هرگاه شخصی از راه حیا زت شرعی مالی را بدست آورده و سپس آن را راکد و بدون استفاده قرار دهد، حق حیا زت او زائل می‌شود و حیا زت مجدد آن برای دیگران بلا مانع خواهد بود. (سید محمد باقر صدر، اقتصادنا، ص ۵۲۶) «فاذا باشر العامل الزراعة فی ارض عامره، بطبیعتها، واصل هذا النوع من الانتفاع بها لم یجز لآخر انتزاع الارض منه مادام العامل مستمرا فی زراعتها لان الآخر لیس اولی بها ممن ینفع بها فعلاً و اما اذا ترک العامل زراعتها و الانتفاع بها فلا یبقی له الحق فی الاحتفاظ بها و یجوز عندئذ لفرد آخر ممارستها فی عمل من أعمال الانتفاع و الاستثمار» ر.ک. جواهر الکلام ج ۳۸، ص ۱۲۲-۱۲۴»

۲- قلمرو قاعده حیا زت علاوه بر محدودیت‌های عرفی و قانونی، از سوی حاکم اسلامی به عنوان حافظ مصالح امت محدودیت‌هایی خواهد داشت، زیرا حاکم اسلامی موظف است مردم را از بهره‌برداری‌های بی‌رویه از مواهب طبیعت باز دارد و از کلیه اقدامات حیا زتی که منجر به نابودی اصل و بنیان ثروت طبیعی می‌شود یا چرخه طبیعت را بر هم می‌زند ممانعت به عمل آورد. (محمد مهدی کرمی و محمد پورمند بنی زاده همان، ص ۴۸) زیرا بخشی از منابع طبیعی مالکیت اولیه‌اش از آن امام و حکومت اسلامی است.

بنابراین احیا و تملک توسط افراد بدون موافقت او صحیح نیست و طبیعی است که حکومت اسلامی در اجازه و موافقت خود و محدوده آن مصالح جامعه را مورد ملاحظه قرار می‌دهد و اصولاً باید گفت احیا و تصرف اراضی موات و معدن می‌بایست با موافقت مقام امام

«حکومت» انجام گیرد در این مسأله هیچ جای شک و تردید نیست و لزوم موافقت حکومت در احیای اراضی موات و غیره از مقرراتی است که در متن زندگی اجتماعی همیشه وجود داشته است، زیرا منابع طبیعی گرچند از برای همگان بوده است اما به لحاظ اینکه مدیریت و سرپرستی آنها معمولاً به عهده حکومتها قرار داشته طبعاً تصرف خودسرانه افراد بدون توافق مدیریت با اداره و نظام جامعه هماهنگی نداشته و عمل غیر قانونی قلمداد می‌شود. (محمود عبداللهی، مبانی اقتصاد اسلامی، ص ۶۲-۶۳)

### ج) قاعده سلطنت

از مشهورترین قواعد فقهی در زمینه اقتصاد قاعده سلطنت است که بسیاری از مسائل اقتصادی براساس آن بررسی می‌شود. طبق این قاعده هر کسی در اموال خود حق هر نوع تصرف مشروع را دارد و هیچ کس حق ممانعت از آن را ندارد، البته ثبوت چنین حقی برای مالک بعد از ثبوت مالکیت شرعی برای او است زیرا حق سلطه در واقع تصرف مالکانه است بنابراین امنیت و آزادی اقتصادی و حق هر نوع استفاده مشروع به استناد قاعده سلطنت فقط برای مالک شرعی آن محفوظ است.

قاعده سلطنت قاعده‌ای عرفی و عقلانی است که از نظر شریعت اسلام هم در شرایط خاص مورد تأیید قرار گرفته است. چنانچه پیامبر (ﷺ) فرموده است: «الناس مسلطون علی اموالهم» (محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲ ص ۲۷۲ حدیث ۷) همه مردم بر اموال و دارایی‌های خود سلطه دارند یعنی انسان حق هر تصرف مشروع را نسبت به اموال خود دارد. یا از امام زمان # روایت شده که فرمود است: «لایحل لا حد ان يتصرف فی مال غیره بغیر اذنه» (محمد بن حسن حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۷، کتاب الغصب، ص ۳۰۹ حدیث ۴) «بر کسی جایز نیست بدون اذن در مال دیگران تصرف کند.» زیرا این کار دخالت در حوزه مالکیت دیگران و نادیده گرفتن حق سلطه آنان است.

همینطور از امام صادق (ع) روایت شده است: «الانسان احق بماله مادام الروح فی بدنه» (محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۱۳، کتاب الوصیت، باب ۱۷ حدیث ۴) انسان تا زنده



است از هر کسی به مال خویش سزاوارتر است. و جمیع حقوق مالکیت از جمله حق سلطه بر اموال برای وی محفوظ است.

### کاربرد قاعده یا قلمرو آن

قاعده سلطنت از جهت موضوع بسیار گسترده است و شامل کیله اموال و انواع مالکیتها اعم از فردی، جمعی، عین خارجی منافع و اموال مادی و معنوی می‌گردد، گستردگی قلمرو این قاعده مورد تأیید فقها قرار گرفته است «مردم بر حقوق و اموال خود سلطه دارند» (محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۵ ص ۲۲۸) قاعده سلطنت اختصاص به مالکیت فردی ندارد بلکه تمام انواع مالکیتها را شامل می‌شود لذا در مالکیتهای مشاع و مشترک حق سلطه برای تمام مالکان آن محفوظ است و هر کدام می‌توانند بدون وارد کردن ضرر و زیان به سایر شرکا از حق سلطه خود استفاده نمایند. (ناصر، مکارم شیرازی، القواعد الفقهیه، ج ۲، ص ۳۶)

### نقش قواعد فقهی خاص در اقتصاد

در این جا برخی از زمینه‌های کاربرد قواعد فقهی خاص را که در تأمین امنیت اقتصادی نقش دارد یادآور می‌شویم.

#### ۱- تدوین مقررات اقتصادی

قواعد فقهی خاص در تدوین مقررات اقتصادی نقش اساسی دارد، مثلاً قاعده حیازت مبنایی برای تحقق مالکیت مشروع نسبت به ثروتهای منقول طبیعت می‌باشد و تمام روشهای سلطه جویانه و زورمندانه در مورد کسب مالکیت آن برخلاف قاعده حیازت است زیرا این قاعده اساس مالکیت را در این زمینه کار مفید و ارزش آفرین می‌داند. چنانکه این قاعده محوری برای تدوین مقرراتی در زمینه و نحوه اعمال سلطه و اختیار در اموال تحت مالکیت انسان است و مبنای اصل تحریم، اصل تحریم تصرف غیر مجاز در اموال دیگران می‌باشد. و قاعده اتلاف علاوه بر طرح حرمت تکلیفی و اعلان کیفر آخرتی مقررات ضمان تأمین خسارت را برای متجاوزان به حقوق و اموال دیگران در نظر گرفته است.

## ۲- ایجاد نظم و امنیت در تمام شؤون اقتصادی

مقررات و قوانینی که بر پایه قواعد فقهی خاص در بخش اقتصادی تدوین می‌گردد موجب برقرار شدن نظم عادلانه و امنیت مطلوب در تمام شؤون اقتصادی می‌شود، برای مثال بر پایه قاعده اتلاف هیچ فعالیت اقتصادی در جامعه نباید سبب از بین رفتن مال غیر و تضییع حقوق دیگران باشد از این رو قاعده اتلاف قاطعانه از هر نوع بی‌نظمی و دخالت بیجا در کار دیگران جلوگیری می‌کند، چنانکه براساس این قاعده اگر پزشک فاقد تخصص لازم باشد، یا در کارش کوتاهی کند گرچه مداوا را با اجازه مریض انجام دهد ضامن تمام زیانهای وارد شده است. (روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۶۰) در پرتو قاعده حیازت شیوه بهره‌برداری از ثروتهای منقول نظام‌مند می‌گردد و قاعده سلطنت نظم مستحکمی را در زمینه نوع رابطه انسان با اموال خویش برقرار می‌سازد، پس تحقق اصول مذکور بدون شک نوید بخش امنیت اقتصادی در جامعه خواهد بود.

## ۳- ایجاد امنیت و حفظ ثروت ملی و شکوفایی آن

از دیگر آثار گرانبهای قواعد فقهی خاص، ایجاد امنیت و حفاظت از ثروتهای ملی و شکوفایی آن است. قوانین ناشی از ممنوعیت اتلاف و ضمان تأمین خسارت، ثروتهای جامعه را از خطر تضییع و نابودی مصون می‌دارند. چنانکه قاعده تسلیط حق مدیریت صحیح بر اموال و دارایی‌ها را برای افراد فراهم می‌آورد و قاعده حیازت نیز عاملی برای تعیین حریم بهره‌برداری از ثروتهای ملی است. از این رو مجموعه قواعد مذکور زمینه‌های مناسبی برای حفاظت از ثروتهای ملی و شکوفایی آن ایجاد می‌کند.

## نتیجه

با توجه به مجموع آنچه راجع به مباحث حساسیت فقها نسبت به مسأله اقتصاد و سازکارهای تأمین امنیت آن گذشت معلوم می‌شود که دین مبین اسلام و به تبع آن فقها به عنوان حاکمان اصلی در نظام سیاسی اسلام روی امنیت اقتصادی حساس بوده و زیاد تکیه کرده‌اند، زیرا یکی از مهم‌ترین نیازهای جوامع بشری نیاز اقتصادی است. انسان برای ادامه حیات خود

ناگزیر است که به کار و کوشش (تولید و توزیع) پردازد و نیازمندیهای مادی خود را برطرف سازد تا جای که فقهای عظام، اسلام اعتقادی بدون اقتصاد و اسلام اقتصادی بدون اخلاق و اسلام عبادی بدون سیاست و اسلام سیاسی بدون ایمان و اعتقاد را مساوی می‌دانند با هر یک از مقولات مذکور منهای اسلام راستین و اسلام ناب محمدی (ﷺ) بنابراین می‌توان گفت، اقتصاد همواره یکی از مهم‌ترین مسائل حیاتی فردی و اجتماعی انسانها در تمامی اعصار و قرون گذشته بوده، است و خواهد بود. اقتصاد نه تنها در زندگی خصوصی و حیات اجتماعی افراد نقش دارد بلکه به عنوان متغیری برای در نظر گرفتن محتوای حکومتها نیز مطرح می‌باشد، لذا ایده امنیت اقتصادی جایگاه والایی در دستور کار نظامهای سیاسی پیدا کرده است و همه آنها سعی می‌کنند تا برای مردم خویش امنیت اقتصادی به وجود آورده و آن را حفظ کنند.

## کتابنامه

- قرآن کریم.  
نهج البلاغه.  
مطهری، مرتضی، نظری به نظام اقتصادی اسلام، ناشر: انتشارات صدرا، چاپ اول بهار ۱۳۶۸.  
مظاهری، حسین، مقایسه ای بین سیستمهای اقتصادی، جلد ۱، قم: انتشارات: مؤسسه در راه حق، بی تا.  
نمازی، علی، مستدرک سفینه البحار، بی تا، - نرم افزار، الشامله  
احادیث فی الدین، والثقافة، والاجتماع، جزء ۱، بی تا، بی تا، ر.ک. نرم افزار الشامله.  
خامنه ای، علی، فرهنگ و عرصه فرهنگی، رهنمودها، گرد آوری و تنظیم: مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، چاپ اول ۱۳۸۸.  
بهرام اخوان، کاظمی، امنیت در نظام سیاسی اسلام، تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان ۱۳۸۵.  
کرمی، محمد مهدی و نبی زاده، محمد پورمند، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، تهران: انتشارات (سمت) چاپ اول پائیز ۱۳۸۰.  
حرّ عاملی محمد بن حسن، وسائل الشیعه، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت للاحیاء التراث ۱۴۱۱ هجری - قمری - تهران، کتاب فروشی اسلامیة ۱۴۰۳ قمری.  
کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۷، ناشر: دارالاسوه ۱۴۲۴ هجری قمری  
خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ترجمه علی اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، بی تا.  
مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، چاپ سوم، ۱۴۰۴ هجری - قمری، بیروت: دار احیاء تراث العربی و نیز دار الاضواء، ۱۴۱۳ قمری.  
نجفی، موسی و جعفریان، رسول، صده تحريم تنباکو، تهران: امیرکبیر ۱۳۷۳  
مراغی، میر عبدالفتاح، العناوین، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۸ ق.  
عبداللهی، محمود، مبانی اقتصاد اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ دوم زمستان ۱۳۷۵  
طیبعی، منصور، سیمای امنیت در نهج البلاغه، ناشر: سازمان عقیدتی، سیاسی نیروی انتظامی،

دفتر سیاسی، چ اول ۱۳۷۹

زرگری نژاد، غلام حسین، رسائل مشروطیت، تهران: چاپ دوم، کویر ۱۳۷۷.  
جان فوران، مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، تهران: چاپ اول،  
رسا، ۱۳۷۷.

انصاری، مرتضی، رساله فی نفی ضرر، قم، المؤتمر العالمی لمیلاد الشیخ الانصاری ۱۴۱۵ قمری  
مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیه، قم: مدرسه امیرالمؤمنین ۱۴۱۶ قمری.  
مکارم شیرازی، ناصر، خطوط اصلی اقتصاد اسلامی، قم: انتشارات هدف، بی تا.  
نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، چاپ هفتم، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، بی تا و تهران، دار  
الکتب الاسلامیه ۱۳۶۲

جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران: کتابخانه گنج دانش.  
موسسه پژوهشی و مطالعات فرهنگی، تاریخ معاصر ایران، کتاب هفتم، بی تا.  
فصلنامه علوم سیاسی، موسسه آموزش عالی باقر العلوم ۱۱ سال سوم، شماره نهم تابستان ۱۳۷۹،  
شماره ۳، زمستان ۱۳۷۷، شماره ۴۳، پاییز ۱۳۸۷. ش.

دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران: انتشارات سمت، چ اول، ۱۳۷۱.  
محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقهی، بخش مدنی، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۵.  
طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: بنیاد  
علمی و فرهنگی علامه طباطبایی زمستان ۱۳۶۷.



